

درسها و عبرتهای انتخابات ۱۴۰۰

وزن اصول‌گرایان، اصلاح‌طلبان و تحول‌خواهان



محسن کدیور

۳۰ خرداد ۱۴۰۰

درسها و عبرتهای انتخابات ۱۴۰۰

وزن اصول‌گرایان، اصلاح‌طلبان و تحول‌خواهان

نتایج رسمی انتخابات غیررقابتی ریاست جمهوری ۱۴۰۰ اعلام شد. به چهار دلیل در این انتخابات شرکت نکرده و برای نخستین بار عدم شرکت نیز علنا اعلام شد. [انتخابات بی‌معنی، رئیس‌جمهور منصوب](#) (۹ خرداد ۱۴۰۰، [جمهوری اسلامی مرحله‌گذار به حکومت اسلامی بود](#) (۲۲ خرداد ۱۴۰۰)، [انتخابات و آینده نظام، رهبر مهره‌چین یا مهره؟](#) (۲۶ خرداد ۱۴۰۰). در این مجال به دو نکته مختصر به شرح زیر اشاره می‌کنم: ارزیابی پیش‌بینی‌های انجام‌شده و عبرتها و درسهای انتخابات. تفصیل بحث را به فرصتی دیگر موکول می‌کنم. از انتقادات و پیشنهادات استقبال می‌کنم.

الف. ارزیابی پیش‌بینی‌های انجام‌شده

پیش‌بینی شده بود: اولاً در خوش‌بینانه‌ترین حالت حداکثر ۴۵٪ در انتخابات شرکت می‌کنند، ثانیاً به احتمال بسیار قوی انتخابات به دور دوم کشیده نخواهد شد. ثالثاً سید ابراهیم رئیسی نامزد نظام با حدود ۱۷ میلیون رأی حدود ۶۴٪ شرکت‌کنندگان برنده این انتخابات خواهد بود. رابعاً رای دکتر عبدالناصر همتی در آخرین نظرسنجی ۴۲٪ بوده، فرض کنید دو نیم برابر شود و به ۱۰٪ برسد یعنی دو میلیون و ۷۰۰ هزار رای، بیشتر نخواهد بود. ([چرا رای نمی‌دهم؟](#) ۲۷ خرداد ۱۴۰۰)

اکنون نتایج اعلام شده است. اولاً میزان مشارکت ۴۸.۸٪ و با کسر آراء باطله ۴۱.۸۵٪ بوده است. ثانياً انتخابات به دور دوم کشیده نشد. ثالثاً سید ابراهیم رئیسی با ۱۷،۹۲۶،۳۴۵ رای معادل ۶۱.۹۵٪ شرکت کنندگان برنده این انتخابات شد، و دکتر عبدالناصر همتی با ۲،۴۲۷،۲۰۱ رای معادل ۸.۳۸٪ نفر چهارم این انتخابات شد، بعد از به ترتیب سید ابراهیم رئیسی منصوب نظام، آراء باطله و سردار سرلشکر دکتر محسن رضایی. هر چهار پیش بینی که مبتنی بر مطالعه آمار انتخابات پیشین و نظرسنجی‌های معتبر داخل کشور بود، خوشبختانه با ضریب خطای اندکی صحیح از آب درآمد.

ب. عبرتها و درسهای انتخابات

تحلیل آماری این انتخابات با دو انتخابات قبلی ریاست جمهوری و آخرین انتخابات مجلس شورای اسلامی درسهای قابل توجهی دارد. به اختصار به هفت عبرت یا درس اشاره می‌کنم.

یک. شیب تند تنزل نرخ مشارکت

نرخ مشارکت مردم در این انتخابات (۴۱.۸۵٪ با کسر آمار باطله، و ۴۸.۸۷ بدون آن) به نرخ مشارکت انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۸ یعنی ۴۲.۷۵٪ بسیار نزدیک است. هر دو انتخابات غیررقابتی و منحصر به نامزدهای محافظه کاران تندرو بودند و اصلاح طلبان و اعتدالیون رای آور توسط شورای نگهبان حتی الامکان قلع و قمع شدند. نظام به خوبی درک کرده است که در هیچ انتخابات رقابتی و آزاد نامزدهای مورد نظرش رای نمی‌آورند و تنها راه در دست داشتن همه مجاری قدرت حذف همه رقبا و برگزاری انتخابات غیررقابتی و برنده شدن در مسابقه اسب سواری تک نفره است، تا زمان عمل به وعده ۱۴ خرداد رهبری برسد: جمهوری اسلامی منهای انتخابات!

دو. کاهش مشروعیت نظام با شیب تند

نرخ مشارکت مردم در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۴ دقیقاً ۱۹.۲۶٪ کاهش داشته است. نرخ مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نسبت به انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ دقیقاً ۲۴.۸۶٪ کاهش داشته

است، اگر در هر دو انتخابات ریاست جمهوری آراء باطه را نیز به حساب آوریم این کاهش ۲۹.۷۶٪ است. این کاهش با این شیب تند نمایشگر کاهش مشروعیت جمهوری اسلامی است. البته برای اعتنا به بحران مشروعیت حداقلی از شعور سیاسی لازم است که در ناصیه زمامداران جمهوری اسلامی دیده نمی شود.

سه. رشد سریع تحریم انتخابات

میانگین میزان تحریم انتخابات ریاست جمهوری در سالهای ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ دقیقاً ۲۷.۱۳٪ بوده است. در حالی که در انتخابات ۱۴۰۰ میزان تحریم ۵۱.۲۱٪ بوده است، یعنی انتخابات غیررقابتی باعث رشد ۲۴.۰۸٪ تحریم یا عدم مشارکت در انتخابات شده است. این نرخ رشد تحریم انتخابات جداً تکان دهنده است.

چهار. وزن طرفداران نظام

مدافعان نظام یقیناً در سه انتخابات ریاست جمهوری به نامزدهای محافظه کاران (اصول گرایان) اعم از نامزد اصلی و نامزدهای فرعی رای داده اند. این شاخص خوبی برای دستیابی به وزن طرفداران نظام است. در سه انتخابات اخیر ریاست جمهوری این نسبت واجدان شرایط رای دادن به ترتیب ۳۲.۴۸٪، ۲۸.۹۲٪، و ۳۷.۶۶٪ بوده است، میانگین آنها ۳۳.۰۲٪ یعنی کمتر از یک سوم شهروندان واجد شرایط رای. این عدد بسیار معنی دار است، یعنی نهادهای انتصابی در دست جناح اقلیت است. البته با توجه به برخورداری این اقلیت از بیت المال و تفنگ نباید آنها را دست کم گرفت. یقین دارم شاهد ریزش جوانان صادق این جناح و نیز انشقاق در صفوف آنها خواهیم بود.

پنج. وزن تحول خواهان و باورمندان به اصلاح ناپذیری نظام

در دو انتخابات ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰ (انتخاب سیدمحمد خاتمی) نسبت رای به واجدان شرایط ۵۵.۲۰٪ و ۵۱.۳۵٪ بوده است (میانگین ۵۳.۲۷٪). در دو انتخابات ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ نامزد آنها (انتخاب حسن روحانی) رای ۳۶.۸۷٪ و ۴۱.۹۰٪ به نسبت واجدان شرایط رای (میانگین ۳۹.۳۸٪) را داشته است. میانگین پایگاه این جناح حدود ۴۶.۳۲٪ قابل ذکر است. البته در این آراء عواملی غیر از جناح هم دخیل بوده است که نباید از نظر دور داشت از شرایط

زمانی و شخصیت خود انتخاب شونده. در انتخابات اخیر غیرمحافظة کاران (اعم از تحول خواهان، اصلاح طلبان، و اعتدال گرایان) به دو شقه تقسیم شدند: متمایلان به اصلاحات روبنایی درون حکومتی که در انتخابات اخیر به توهم برهم زدن نقشه نظام برای انتصاب ابراهیم رئیسی به عبدالناصر همتی رای دادند. این جناح ۴۴٪ در کشور بیشتر وزن ندارد، یعنی حدود یک هشتم محافظة کاران!

وزن جناح تحول خواه که انتخابات اخیر را تحریم کردند و به دنبال اصلاحات ساختاری هستند بسیار بیشتر از این است: از مقایسه نرخ تحریم همین انتخابات (۵۱.۲۱٪) و میزان رشد ۲۴ درصدی آن، آراء باطله (۱۴.۴٪) و میانگین پایگاه جناح غیرمحافظة کار (۴۶.۳۲٪) می توان دورنمایی از آن را به دست آورد، اما تعیین عدد دقیق به داده های بیشتری نیاز دارد. در هر حال می توان گفت قائلان به اصلاح ساختاری نظام (به معنی اعم تحول خواهی شامل طیف گسترده تغییر قانون اساسی، حذف ولایت مطلقه فقیه، کنار گذاشتن حکومت دینی، برگزاری همه پرسی آینده ایران، و استقرار حکومت دموکراتیک سکولار) گسترده ترین پایگاه اجتماعی و مطمئناً بیش از یک سوم واجدان شرایط رای را تشکیل می دهند، یعنی بیش از هفت برابر جناح اصلاح طلب حکومتی و اعتدالگرا و قابل اعتنا در مقایسه با مدافعان نظام. اگر کسی در صحت این محاسبه تردید دارد با برگزاری همه پرسی همه چیز روشن می شود. واضح است که همه مدافعان اصلاحات ساختاری و قائلان به اصلاح ناپذیری نظام به یک میزان فعال نیستند، در بسیاری جزئیات اختلاف نظر دارند و فعلاً فاقد تشکیلات و سازماندهی هم هستند. به عبارت دیگر در یک همه پرسی آزاد این جناح دست کاملاً بالا را دارد و با توجه به رشد جمعیت جوان آینده ایران توسط آنها شکل خواهد گرفت. بنگرید به این مقاله: [اصلاحات ساختاری و نظام اصلاح ناپذیر](#) (۱۸ مرداد ۱۳۹۷)

شش. پرسش جدی از اصلاح طلبان حکومتی

یک پرسش جدی از اصلاح طلبان حکومتی و مهدی کروبی (شخصیت مورد احترام من) که از حصر ده ساله مردم را مشفقانه به رای دادن و خصوصاً رای به عبدالناصر همتی تشویق کرد دارم. ایشان، احزاب اصلاح طلب (جبهه جمهوری)، روشنفکران دینی و معنوی، و دیگر افرادی که این خطای بزرگ ملی را مرتکب شدند و با بی

توجهی به انداز میرحسین موسوی (دیگر محصور سرفراز مقاومت ملت ایران در برابر ظلم و خودکامگی) عملاً اندکی تنور انتخابات رسوای غیررقابتی نظام را گرم کردند، با کدام تحلیل و تخمین آماری چنین کردند؟ اولین قدم مسئولیت پذیری انتقاد از خود است.

هفت. رو به آینده

برای تحقق اصلاحات ساختاری نیاز به مشارکت حداکثری، گفتگوی ملی، سازماندهی و تقویت جنبشهای اجتماعی است. این نکته را در فرصتی دیگر تشریح خواهم کرد.



kadivar.com

<https://kadivar.com/18935/>
kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.